

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوق

جدال بر سر مهره چینی

تمرکز همتی بر مداخله در انتصابات وزارت اقتصاد به جای کنترل تورم و ارز



در شرایطی که اقتصاد کشور به علت جنگ تحمیلی و تبعات آن با تشدید تورم، مشکلات تولید و کارگری مواجه است، هم‌اکنون مهمترین موضوع در بالاترین سطح تیم اقتصادی دولت چهاردهم، جدال بر سر انتصابات در بانک‌ها و بیمه‌های دولتی است.

در روزهای اخیر پس از آن که علی مدنی زاده، وزیر اقتصاد دولت چهاردهم، دست به تغییر مدیرعامل بانک ملی و رئیس کل بیمه مرکزی زد که هر دو از افراد نزدیک به عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی بودند، جدال سیاسی و رسانه‌ای وزارت اقتصاد و

بانک مرکزی بالا گرفته است.

ابوالفضل نجارزاده، مدیرعامل بانک ملی که چند روز قبل توسط مدنی زاده کنار گذاشته شد، از همکاران قدیمی همتی محسوب می‌شود. نجارزاده در دولت حسن روحانی که همتی رئیس کل بانک مرکزی بود معاون اداری و مالی بانک مرکزی شد.

نجارزاده از سال گذشته که متوجه شد زیرپایش سست شده تلاش کرد با دعوت از جعفر قائم پناه، معاون اجرایی پزشکیان، در مراسمات بانک ملی، برای خود پشتوانه‌ای محکم در دولت ایجاد کند.

پرویز خوشکلام خسروشاهی هم از همکاران قدیمی همتی در دوران حضور وی در بیمه مرکزی محسوب می‌شود که در اوایل دولت چهاردهم توسط همتی به ریاست بیمه مرکزی منصوب شده بود اما چند روز قبل توسط مدنی زاده کنار گذاشته شد. گویا کنار گذاشتن دویار نزدیک همتی از سوی مدنی زاده، به کام رئیس کل بانک مرکزی دولت چهاردهم خوش نیامده است و آنطور که رسانه‌های نزدیک به همتی نوشته‌اند بانک مرکزی این تغییرات را قبول ندارد. چهره‌های رسانه‌ای نزدیک به همتی حتی از لغو این دو انتصاب مدنی زاده سخن می‌گویند.

۲

«روح‌الله ایزدخواه»، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق، درس‌های جنگ تحمیلی سوم را تشریح کرد:



مردم، ضد مذاکره شده‌اند



تا چه زمانی می‌خواهیم خودمان را در این شرایط جنگی که به ما تحمیل شده وسط کنوانسیون‌های بین‌المللی گیر بیندازیم. طرف به ما حمله کرده بود و عده‌ای از سیاسیون بحث می‌کردند ما بر اساس کدام قانون و کنوانسیون بین‌المللی می‌خواهیم تنگه هرمز را مسدود کنیم.

اگر هنوز هم مسئولی داریم که درک نکرده این جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی جنگ وجودی است و ما به ناچار باید تا فلج کردن دشمن به پیش برویم؛ باید به فهم این مسئول از مسائل شک کرد

الآن مردم دیگر کاری ندارند روحانی و قالیباف یا اصولگرا و اصلاح طلب سرکارند؛ مردم دارند می‌بینند که طرف مقابل اصلاً دنبال مذاکره و تفاهم با ایران نیست.

امروز هم امثال ظریف همان حرف‌های ارتجاعی زمان برجام را می‌زنند و انتظار دارند ما با دشمن بنشینیم و ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را هم بدهیم برود.

باید سیاست ارزی و تجارت بین‌المللی ما هم مقاومتی شود.

باید تا جایی بجنگیم که آمریکا بدون مذاکره خودش آن ۲۰ میلیارد دلار پول بلوکه شده ما را پس بدهد و حاکمیت ما بر تنگه هرمز را قبول کند.

اگر همین الآن فرماندوم برگزار شود، بیش از ۷۰ درصد مردم رأی می‌دهند که باید بجنگیم و مذاکره نکنیم.



جان فدای ایران، ۳۱ میلیونی شد

🇮🇷 بیش از ۵۰ درصد از ۷۰ میلیون جمعیت ۷۰ تا ۱۲ ساله کشور، در پویش جان فدا، ثبت‌نام کردند که ۶۵ درصد آنان آقایان و ۳۵ درصد بانوان، هستند.

سازان زار ع سخنگوی پویش جان فدا با اعلام اینکه ۳۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر عضو پویش شده‌اند گفت: رده سنی ثبت‌نام در پویش جان فدا، از ۱۲ تا ۷۰ سال بود که ۷۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در این رده سنی قرار دارند و براین اساس، بیش از ۵۰ درصد جمعیت، در این پویش اعلام آمادگی کردند.

زارع افزود: از این تعداد، ۶۵ درصد آقایان و ۳۵ درصد بانوان هستند و ۵۰ درصد این ثبت‌نام کنندگان، تحصیلات دانشگاهی دارند. وی تأکید کرد: به نسبت جمعیت ثبت‌نام کننده، این پویش در دنیا بی نظیر است و بیش از ۵۰ درصد واجدان شرایط را دربرمی گیرد. سخنگوی پویش جان فدا تصریح کرد: پویش جان فدا عمق هویت ملی ایرانیان را به جهانیان نشان داد. این حضور باطل السحر همه دسیسه‌های دشمن و تصویری است که دشمن از مردم ایران به جهانیان ارائه کرد.

زارع اضافه کرد: ظاهراً پویش جان فدا پویشی اجتماعی با مشارکت میلیونی برای اعلام آمادگی برای نقش‌آفرینی در جنگ تحمیلی است، اما مفهوم جان فدا تفسیر کلام مبارک امام شهید در یکی از آخرین سخنرانی هایش بود که فرمود ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را خوب بلدند و اگر اتفاقی بیفتد مردم مبعوث می شوند. وی ادامه داد: اوایل جنگ پویش‌های خرد زیادی راه افتاد برای آمادگی مردم برای جنگ و ظرفیت بسیار بالا بود، در این راستا اتاق فکری تشکیل شد و گفتند که بهتر است پوشش‌های خرد زیر یک پرچم باشند و اسامی مختلفی پیشنهاد شد، نهایتاً جانفدا برای ایران انتخاب شد.

زارع درباره تعداد شرکت‌کنندگان پویش گفت: تا الآن حداقل بیش از ۳۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ثبت‌نام کردند، پویش برای آمادگی و حضور مردم طراحی شد.

سخنگوی پویش جانفدا گفت: مفهوم جانفدا برگرفته از کلام امام بود که مردم درس‌های اسلامی و شیعی برای دفاع را خوب بلدند و اگر نیاز باشد مردم مبعوث می شوند و وطن و اسلام را نجات می دهند. وی ادامه داد: این اتفاق هم افتاد و مردم با تمام توان پای کار آمدند، کمتر پدیدهای دیده شده که در یک بازه زمانی کوتاه این قدر مورد استقبال اهل فکر و اهل قلم قرار گیرد، فقط برای من بیش از ۵۰ مقاله ارسال شده بود.

زارع گفت: جانفدا برای ایران به وضوح نشان داد که مردم ستون اصلی امنیت ملی هستند و مردم نشان دادند که تأثیرشان بیش از تأثیر موشک و پهپاد بود.

سخنگوی پویش جانفدا درباره سن شرکت‌کنندگان گفت: بازه سنی ثبت‌نام از ۱۲ سال تا ۶۰ سال بود. یعنی بیش از ۵۰ درصد واجدین شرایط مشغول شدند. در دنیا بی نظیر بود به نسبت جمعیت چنین ضرورتی در صحنه.

وی ادامه داد: در امتداد تاریخ از این روزهای مردم ایران به گونه‌ای



یاد می شود که ماندگار باشد، این اقدام مردم باطل السحر تبلیغات غلطی بود که علیه جامعه ایران در افکار عمومی جا گرفته بود. زارع گفت: جان فدا و حضور ده‌ها میلیونی عاشقان مبارزه با دشمن باطل السحر هجمه‌ها علیه ایران بود و مردم نشان دادند که این آلیاژ غیرقابل تفکیک است و مردم در دو سوسه تاریخ سمت جمهوری اسلامی ایستادند.

سخنگوی پویش جانفدا گفت: این پویش نشان داد که مردم ایران مقابل هیچ نظامی سر خم نمی‌کنند و پویش محاسبات دشمنان را تغییر خواهد داد و به هم خواهد زد. دشمن در تصور خود ساخته دست به حماقت زد و به بن بست خورد.

وی با بیان اینکه برای اعتباربخشی به جانفدا افکار سنجی انجام شد، گفت: داده‌های پویش در اختیار یکی از مراکز معتبر افکارسنجی قرار گرفت. معمولاً نرخ پاسخ به سؤالات افکار سنجی زیر ۶۰ درصد است اما این عزیزان می‌گفتند وقتی با مردم تماس می‌گرفتیم بیش از ۹۰ درصد پاسخ دادند.

زارع ادامه داد: ۶۵ درصد آقایان بودند و ۳۵ درصد بانوان، در پویش بانوان گویا گمان می‌کنند که بیشتر مربوط به آقایان است. اما هنوز می‌توانند بیایند.

سخنگوی پویش جانفدا ادامه داد: ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان، ۲۰ تا ۴۵ سال بودند، ۵۰ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند. از نظر شغل ۲۰ درصد خود اشتغال، ۲۰ در صد کارمند و شاغل دولتی و حاکمیتی، ۲۰ درصد شغل آزاد و کشاورز بودند و مابقی خانه‌دار، دانش‌آموز و دانشجو بودند.

زارع گفت: ۴۰ درصد مردم گفته‌اند حاضریم در اقدامات نظامی شرکت کنیم، ۲۰ درصد متقاضی اقدامات خدماتی و امدادی، ۲۰ درصد آموزشی و فرهنگی باقی هم اقدامات خرد دیگر.

وی گفت: ۹۸ درصد از مردم گفته بودند که می‌توانند وقت بگذارند برای حل مشکلات کشور و در این میان ۶۴ درصد گفته‌اند که می‌توانیم بیش از ۱۰ ساعت در هفته وقت بگذاریم. ۳۴ رصد گفته‌اند تا ۴ ساعت وقت می‌گذارند.

سخنگوی جانفدا گفت: پرسیده شد که سابقه فعالیت و عضویت در فعالیت‌های داوطلبانه دارید یا نه؟ ۶۰ درصد سابقه نداشتند و این ظرفیت بسیار عظیمی است.

نبض اقتصاد رادردست بگیرید



Charsogh newspaper

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۵۰



«روح‌الله ایزدخواه»، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق، درس‌های جنگ تحمیلی سوم را تشریح کرد

مردم، ضد مذاکره شده‌اند

■ **باید سیاست ارزی و تجارت بین‌المللی ما هم مقاومتی شود**

■ **الآن مردم دیگر کاری ندارند روحانی و قالیباف یا اصولگرا و اصلاح‌طلب سرکارند؛ مردم دارند می‌بینند که طرف مقابل اصلا دنبال مذاکره و تفاهم با ایران نیست**

■ **امروز هم امثال ظریف همان حرف‌های ارتجاعی زمان برجام را می‌زنند و انتظار دارند ما با دشمن بنشینیم و ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را هم بدسیم برود**

گفت وگو

🇮🇷 دفاع مقدس ۴۰ روزه اخیر ملت ایران که به فرموده رهبری گران قدر انقلاب هنوز هم در قالب سکوت صحنه نبرد نظامی، تداوم دارد؛ حوادث شگرفی را رقم زده که بی شک برآینده کشور، منطقه و جهان موثر خواهد بود و به‌قولی نظم نوین جهانی منظر ملت‌ها و کشورهای مستقل را رقم خواهد زد. برای شناخت هر چه بیشتر آنچه در این زمینه در جریان است به گفت‌وگو با روح‌الله ایزدخواه، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی نشستیم:

■ **به عنوان یک کنشگر سیاسی، جمهوری اسلامی قبل و بعد از جنگ ۴۰ روزه اخیر را چه مقدار متفاوت ارزیابی می‌کنید؟**

جمهوری اسلامی ایران قدرت خفته‌ای بود که به برکت دفاع مقدس ۴۰ روزه اخیر بیدار و احیا شد. بعدا اول قدرت جمهوری اسلامی را در قالب قاطعیت، ایستادگی و کوتاه نیامدن کشور در برابر دشمن شاهد هستیم. بعد دوم در قالب بعثت یا پراکنجیته شدن حماسی مردم خودنمایی کرده است؛ اما مهم‌ترین بعد قدرت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام مردم‌سالاری دینی را در قالب فرهنگ الگوسازی آن شاهد هستیم، این بعد سوم میزان نفوذپذیری و تأثیرپذیری بیشتری هم دارد.

■ **بسیاری از کارشناسان سیاسی و دفاعی جهان از موفقیت نظامی شگفت‌انگیز جمهوری اسلامی ایران در برابر دو قدرت اتمی یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی طی دو جنگ در کمتر از یک سال اخیر متعجب و حیرت‌زده هستند. حتی برخی معتقدند ایران نه تنها به خوبی در صحنه نبرد از خود دفاع کرده بلکه نتایج جدمات بسیار خوبی هم علیه دشمنان انجام داده‌است. دلیل این موفقیت در چیست؟**

عرصه دفاعی و نیروهای مسلح کشور دقیقاً همان عرصه‌ای بود که امام شهید ما حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای مستقیماً مدیریت می‌کردند. نتایج مدیریت جهادی ایشان در دهه‌های گذشته در این عرصه را امروز به عیان شاهد هستیم و هم‌مردم عزیز خودمان و هم همه دنیا قدرت دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران را به وضوح حس می‌کند. همه دیدند در برابر دشمنی تا ندانن مسلح در یک جنگ نامتقارن محکم ایستادیم و موازنه صحنه نظامی را به‌ نفع خودمان تغییر دادیم. رهبر شهید انقلاب از همان سال ۸۲ نیاز کشور به رویارویی با دشمن در فواصل دور را پیش‌بینی و راهبرد دست‌های بلند را به نیروهای مسلح کشور ابلاغ کرده بودند. رشد سریع صنایع موشکی و پهپادی کشور حاصل همین رهنمود و دستور رهبری شهید بوده‌است. شک‌نکنید با این حجم تحریم‌ها صنایع نظامی کشور جز بامدیریت جهادی نمی‌توانست این‌گونه میانبر بزند و به لبه فناوری برسد. فقط مدیریت جهادی رهبر شهید انقلاب بود که صنعت موشکی و پهپادی ما را از دچار شدن به سرنوشتی مشابه صنایع خودروسازی، پتروشیمی یا فولاد نجات داد. با اطلاع می‌گوییم که از قبال پیشرفت صنایع موشکی ما طی این ۲۰ سال صنایع غیرنظامی ما نیز منتفع شد و سرریز دانش بسیاری داشتیم. همیشه جنگ‌ها در دنیا هم توسعه‌شتابان بوده‌اند البته برای کشورهایی که توان متحول کردن توانمندی‌هایشان در خلال و پس از جنگ را داشته باشند. مطمئن باشید جنگ اخیر نیز اهرم توسعه‌شتابان ایران در مؤلفه‌های نظامی خواهد بود. اینکه صنعت نظامی ایران برعکس صنایع دیگر کشور بسیار پیشرفته‌است به دلیل توجه به رهنمودها رهبری است. بچه‌های هوافضا و موشکی فرمایشات رهبری را اجرا می‌کردند.

■ **یعنی معتقدید با وجود توانمندی‌های مالی و لجستیکی دشمن، صنعت نظامی جمهوری اسلامی ایران با یک سبک متفاوت از مدیریت توانسته اتفاق مهمی را رقم بزند؟**



قطعا همین طور است. ببینید، بوجه‌چه نظامی جمهوری اسلامی ایران نسبت به آمریکا یک‌صد و پنجاهم است. با کاری که ما در این جنگ انجام دادیم مطمئن باشید به زودی بسیاری از کشورها به سراغ ما می‌آیند تا الگوی ما در زمینه نظامی را بیاموزند و بتوانند در برابر قدرت‌های بزرگ نظامی مقاومت کنند. ما سال‌هاست دچار یک نقض اساسی در روایت‌گری پیشرفت کشور هستیم. روایت‌گری‌های ما سازمانی و رسمی شده و بخش مردمی را از کنار کنار گذاشته‌ام. برای همین هنوز بخش زیادی از جامعه خودمان که در خوبی‌های ما نگرده‌اند که چه اتفاق مهمی را در دو جنگ اخیر در صحنه نبرد نظامی رقم زده‌ایم. برخی دوستان ما تحلیل می‌کنند که ما داریم تبدیل به قدرت چهارم تأثیرگذار در صحنه جهان می‌شویم.

البته من فکرمی‌کنم قضیه فراتر از این هاست. ما داریم تبدیل به مرجع حکمرانی و حکومت‌داری در جهان می‌شویم.

زد. فراموش نکنیم اقتصاد آمریکا به واسطه پترودلار به تنگه هرمز ایسته‌است و مامی‌توانیم دومین‌وزوار اقتصاد آن‌ها را فلاح کنیم. البته مسئله تنگه هرمز صرفاً نظامی یا اقتصادی نیست و باید یک اتاق فرمان چندوجهی مخصوص برای آن در کشور ایجاد کنیم. اتاقی که بتواند امور تنگه را ذیل منویات رهبری در نظام حکمرانی ما تدبیر کند. البته معتقدم شروع هرکاری در زمینه تنگه هرمز باید از کانال مجلس و قانون‌گذاری آن باشد.

■ **به تنگه هرمز اشاره کردید. سیاست نظام در زمینه این ابراه راهبردی در آئینده چه خواهد بود؟**

همان‌طور که ولی امر ما فرموده‌اند اهرم مسدود کردن تنگه حتی بعد از جنگ هم باید برای کشور ما باقی بماند؛ یعنی ما باید مطالباتمان در این جنگ و دفاع مقدس از قبیل غرامت، لغو تحریم‌ها و بازگشت منابع بلوکه‌شده را از این طریق وصول کنیم. قطعاً از کانال مجلس در این زمینه قانون‌گذاری خواهیم کرد. برخی از دوستان از ذهنشان بیرون‌کنند که با این دشمن می‌توان با همان زبان برجام مذاکره کرد. آن دو تا چهارتهای قدیمی دیگر در دنیا امروز و با این دشمن جواب نمی‌دهد. خوشبختانه دشمن ما هم به قدری احمق هست که دقیقاً توسط مذاکره با اقدامات مخربی که انجام می‌دهد دست خودش را ورزده‌است. تا چه زمانی می‌خواهیم خودمان را در این شرایط جنگی که به ما تحمیل شده وسط کنوانسیون‌های بین‌المللی گیر بیندازیم. طرف به ما حمله کرده بود و عده‌ای از سیاسیون بحث می‌کردند ما بر اساس کدام قانون و کنوانسیون بین‌المللی می‌خواهیم تدبیر کنیم. اصلا یکی خیلی به دیپلماسی و حقوق بین‌الملل وفادار می‌شویم و اصلاً انگار باید همه دانشگاه‌های این عرصه را در جهان به‌دند به ما اداره کنیم.

■ **نگاهی در میان برخی صاحب‌نظران وجود دارد که باید فوراً پیروزی‌های صحنه نبرد را به امتیازات بروری نگاه تبدیل و از دشمن امتیازگیری کنیم. تحلیل شما چیست؟**

ترامپ انسان تا جرسلگ قماربازی‌است و نوع سیاست ورزی او نیز برگرفته از همین نوع شخصیت‌است؛ بنابراین ما صرفاً درگیر یک نبرد نظامی نیستیم و این جنگ هم مطلقاً با نگاه تاکتیکی به نتیجه نخواهد رسید. اگر هنوز هم مسئولی داریم که درک نکرده این جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی جنگ وجودی است و ما به ناچار باید تا فلاح کردن دشمن به پیش برویم؛ باید به فهم این مسئول از مسائل شک کرد. نمی‌دانم یعنی اینقدر درک این مسئله سخت‌است که دشمن ما را به قصد کشت میزند و باید مقابله کنیم. وقتی رهبر و ده‌ها مسئول ارشد ما راهبید کردند جنگ چیزها معلوم شد؛ یعنی دشمن دنبال جنگ وجودی‌است و باید امتیاز و دمویتاز قرار نیست قانع شود. چه پرسد که پیروزی‌های ما در صحنه نظامی را هم بریمان در معامله نقد کند. ترورهای بی‌سابقه، ایجاد اغتشاش خیابانی، تسلیح گروهک‌های مسلح تروریست تجزیه‌طلب و هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشور نشان

می‌دهد نگاه دشمن به جنگ با ما یک جنگ تمام عیار وجودی‌است.

■ **تا کجا باید بجنگیم؟ تصویر واقع آئینده جنگ چیست؟ تا مذاکره تا توافق تا دستیابی به یک پیروزی؟ اصلا جنگ تا کجا؟!**

اگر نگاه قرآنی داشته باشیم باید تا جایی بجنگیم که ریشه فتنه را بخشکانیم؛ یعنی هر جایی این وسط کار را راها کنیم دشمن خودش را قوی‌تر می‌کند و باز هم به سراغ ما می‌آید؛ پس چاره‌ای جز خشکاندن ریشه فتنه دشمن

نداریم. اصلا در چنین جنگی خیلی دودوتا کردن به کار نمی‌آید چراکه روی رویه تو یک دیوانه تمام‌عیار است. وقتی طرف با عرف بین‌المللی به سراغ ما نیامده اصلاً چرا باید ما خودمان را برای او محاسبه بپذیر کنیم. پنتاگون علناً اعلام کرده بود مشکل ما با امثال حاج قاسم سلیمانی این است که اینها در دانشکده‌های نظامی ما درس نخوانده‌اند و برای سیستم ما پیش‌بینی‌پذیر و محاسبه‌پذیر نیستند. ما باید تا جایی بجنگیم که دشمن خودش، داوطلبانه و بدون پیش‌شرط باید شروط ایران را بپذیرد و اجرایی کند؛ یعنی دشمن خودش داوطلبانه به ما گزارش کار بدهد که فلان دارایی شمارا آزاد یا تحریم‌های نظام بانکی شمارا لغو کرده‌ام.

■ **درباره جنگ ترکیبی دشمن و نقش رسانه‌ها توضیح دهید. مردم ایران و سایر ملت‌ها چگونه با وجود این حجم عظیم تبلیغات ضد ایرانی در صحنه دفاع از ایران هستند؟**

ما هنوز درک درستی از جنگ ترکیبی نداریم. ما در رسانه خیلی ضعیفیم. چرا ما باید هنوز اخبار را از میان رسانه‌ها و توثیت‌های دشمن بشنویم. انصافاً ما در جنگ رسانه‌ای شکست خورده‌ایم و آنچه که دنیا را احیا کرده نه رسانه‌های ما بلکه فرهنگ مقاومت و ایثار و شهادت ماست. ما نه مردم خودمان را با این فضای رسانه‌ای می‌توانیم قانع کنیم و نه توان همراه ساختن مردم بیدار دل جهان را داریم. اگر هم مردم بیدار دل جهان با ما همراه هستند به برکت خون امثال شهدای مدرسه مینابا است. انصافاً ما مردم خودمان را هم نشناخته‌ایم. رسانه‌ها هم مردم را نمی‌شناسند. این مردم فرسنگ‌ها از مسئولان و رسانه‌ها جلوتر هستند و تعجب همگان را برانگیخته‌اند. یک چیزی هم در گلویم گیر کرده که باید بگویم. ما هنوز مردم ایران را نشناخته‌ایم. حتی این رسانه‌های حزب‌اللهی ما هم ملت ایران را نشناخته‌اند. البته مقصر اصلی تکنوکرات‌ها هستند که در این ۴ دهه بعد از دفاع مقدس در هر عرصه‌ای راه را برای حضور، بروز، نقش‌آفرینی، ظهور و ورود مردم مسدود کردند. حالا ما مای‌بینیم مردم حضور دارند و چه قدر هم از مسئولان و رسانه‌های کشور جلوتر هستند. این مردم به معنای واقعی کلمه مبعوث شده‌اند و مطمئن باشید فقط نه در کف خیابان بلکه در صحنه جهاد و شهادت هم پای کارند. حالا ترامپ قمارباز نهدید کند که می‌خواهد زیرساخت بزند؛ مردم خودشان دارند میگویند ما ترسی نداریم و تا آخر ایستاده‌ایم. این مردم دارایی اصلی ما در این نبرد وجودی هستند.

■ **یعنی معتقدید مردم از مباحثی چون مذاکره با دشمن حمایت نمی‌کنند؟**

معلوم است که دیگر مذاکره برای مردم اولویت نیست. ببینید اصلا ما بپذیریم که مذاکره یک چیز خوبی است. قبول می‌کنیم. چشم؛ اما الآن مردم می‌گویند رویه روی ما، یعنی آن طرف آمریکایی یک شخصیتی و یک تفکری حضور دارد که اصلاً نمی‌خواهد مذاکره کند. خوب حالا جمهوری اسلامی ایران چگونه برود با چنین شرایطی با کسی که نمی‌خواهد در واقعیت مذاکره کند؛ به تقاهم برسد. باز هم می‌گوییم که جنگ دشمن با ما نبرد وجودی‌است. الآن مردم دیگر کاری ندارند روحانی و قالیباف یا اصولگرا و اصلاح‌طلب سرکارند؛ مردم دارند می‌بینند که طرف مقابل اصلاً دنبال مذاکره و تقاهم با ایران نیست. مردم می‌گویند ما تا آخر برای کار کشور ایستاده‌ایم. اصلا به نظرم من باید تکلیف این بحث مذاکره را یک بار با فرزندم روشن کنیم و مردم نظرشان را بگویند تا همه ببینند که دیگر مذاکره اولویت مردم نیست. کمی به تجربه‌گذشته نگاه کنید. چه قدر تاوان دادیم تا به ما ثابت شود که نباید در برابر دشمن در هر موضوعی از جمله هسته‌ای عقب‌نشینی کرد. به قول رهبر شهیدمان ما دهه ۹۰ را زود دست دادیم و ۱۰ سال کشور را پشت تن‌غی‌سازی غیر ضرر دزد نگه داشتیم. در این جنگ اخیر هم ما رهبر عزیزمان را از دست دادیم که بزرگترین ضرره دشمن به ما بود. امروز هم امثال ظریف همان حرف‌های ارتجاعی زمان برجام را می‌زنند و انتظار دارند ما با دشمن بنشینیم و ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را هم بدسیم برود. الآن دشمن از ما می‌خواهد که محاصره دریایی مابینم اما تنگه هرمز را باز کنیم. همه ذایب اورانیوم غنی‌شده را تحویل بدسیم و حتی به ۲۰ سال بلکه تا ابد غنی‌سازی نداشته باشیم. اصلا یکی به ما بگویند آن شکلاتی که آمریکایا ۲۰ سال در قبال این همه امتیاز که از ما گرفته به ما داده چه بوده‌است. ما صلا هیچ وقت با آمریکا معامله نکرده‌ایم. چون از معامله خبری نیست و آن‌ها فقط امتیاز می‌خواهند.

■ **عملکرد برخی همسایگان عرب ایران در منطقه از جمله امارات متحده عربی در جنگ اخیر محل بحث است. در این زمینه نگاهتان چیست؟ آیا به راستی آنگونه که بسیاری تحلیلگران غربی هم ادغان می‌کنند چهره منطقه غرب آسیا در حال تغییر است؟**

امارات در جنگ اخیر خیلی بد بازی کرده‌عملاً در انتهای جنگ اخیر مستقیماً علیه ما وارد عمل شد. تاجار و کسانی که سال‌هاست در امارات زندگی می‌کنند خودشان میگویند امارات دیگر تمام است و بعدی‌است دیگر سرمایه‌چندانی در آئینده جذب این کشور حاشیه خلیج فارس شود. یکی از خوبی‌های جنگ اخیر این بود که سیاست غلط ارزی ایران که داوطلبانه دستمان را زیر ساطور امارات گذاشته بودیم اصلاح شد. از قبل از جنگ بارها درباره سیاست‌های خصمانه امارات هشدار داده بودیم اما امراری وجود داشت که شبکه ترستی ایران در امارات فعالیت داشته باشد. باید سیاست ارزی و تجارت بین‌المللی ما هم مقاومتی شود. مقاومتی که فقط در بعد نظامی نیست. یکی دیگر از آثار مهم این جنگ نیز این بود که آن آرامش کاذبی که ذیل نظم آمریکایی در اقتصاد جهانی شکل گرفته بود از بین رفت. هم در خاورمیانه، هم در آمریکای لاتین، هم در اروپا و هم در سراسر جهان این فروپاشی نظم آمریکایی را دیدیم. امروز کار به جایی رسیده که اصلاً ما نیازی به صادرات فرهنگ مقاومت نداریم و دنیا خودش دارد به سراغ ما می‌آید. صحنه تغییر کرده‌است. دنیا دارد می‌بیند ما کشوری هستیم که سلاحمان را خودمان می‌سازیم؛ با تکتا به خودمان مقاومت می‌کنیم و اقتصادمان را هم خودمان اداره می‌کنیم. آن فضای که دشمن سعی می‌کرد القا کند که دو ماه پیش در کف خیابان هابرناندی در جریان بود دیگر از بین رفته‌است. معاون وزیر خارجه آلمان به وزیر خارجه ما در وسط جنگ ۱۲ روزه گفت اگر فرخوان حمله زمینی به اسرائیل بزنید من قول می‌دهم یک میلیون نفر فقط از آلمان به کمک شما خواهد آمد. این دقیقاً تغییر چهره منطقه و جهان است.

مرکزی، فارغ از اساسنامه بانک ملی، وزیراقتصاد اصلاًحق تعیین سرپرست بدون تأیید بانک مرکزی را ندارد و مواردی که در گذشته این اتفاق افتاده مربوط به پیش از قانون جدید بانک مرکزی است. گفته شد با توجه به شرایط جنگی تغییر در بیمه مرکزی با استغای رئیس کل بوده و قانونی است. اولاً در شرایط جنگی وزیر نباید دست به این تغییرات گسترده در سه مجموعه بزرگ اقتصادی می کرد و چنین ریسکی رایه کشور تحمل می نمود. ثانیاً رئیس کل بیمه مرکزی پیش از جنگ و به دلیل ضعف وزیراقتصاد ود خالت‌های او در صنعت بیمه اعلام کرده با این دخالت‌ها ادامه همکاری میسر نیست! و در دوران جنگ هم اعلام کرده که استعفا نمی دهد! اگر هم استعفا داده بود باز باید با مصوبه هیات وزیران این تغییر صورت می گرفت که دوباره وزیر محترم تخلف کرده‌اند.

گفته شد که مدیرعامل بانک ملی به دلیل حضور همسر و فرزندانش در خارج از کشور در دوران جنگ برکنار شده است. این در حالی است که نه تنها این خیرساز صحت ندارد بلکه مدیرعامل بانک ملی در کل دوران جنگ به همراه خانواده در تهران بودند. این بی اخلاقی‌ها آن هم از سوی وزیراقتصاد و آن هم در دوران جنگ غیرقابل قبول است و دولت باید به نحو مقتضی با تخریب مدیران سالم و جوان خود مقابله نماید، به نحوی که این کارهایاب نشود.

گفته شد که آقای دیواندری که از مؤسسان شرکت تارا (بزرگ‌ترین لند تک ایران) هستند نقشی در انتصابات نداشته‌اند. این در حالی است که ایشان با وجود اینکه تارایی از بزرگ‌ترین پدهکاران بانکی است، عضو اصلی کمیته انتصابات بانکی هستند و نقش جدی در تغییرات بانکی دارند که این هم باید به صورت مؤثر توسط نهادهای نظارتی برخورد شود. به زودی مستندی از دخالت‌های این فرد در جریان انتصابات وزیر اقتصاد فعلی وسابق و عملکردش در شرکت‌های اقماری وروابطش با وزیراقتصاد توسط اقتصاد آنلاین منتشر خواهد شد.

حمایت یک نماینده مجلس از تغییرات

در مقابل حملات رسانه‌های حامی همتی، شاهد مطالبی در حمایت از تغییرات اخیر هستیم. مثلاً اسفندیار عبداللهی، نماینده مجلس، در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، در خصوص ضرورت تغییر سیاست‌های اقتصادی در دوران جنگ و پسا جنگ، گفت: بانک‌های دولتی به خصوص بانک ملی «درواقع «پاروی اقتصادی» کشور هستند و باید همراه دولت عمل کنند. چراکه جنگ باعث آسیب به کسب‌وکارها و کاهش قدرت فعالیت بنگاه‌ها شده و در کنار آن، تجارت هم با دشواری انجام می‌شود. در همین راستا تغییر و تغییرات دولتی در مدیریت این بانک صورت گرفت.

نماینده ارستانجان و مرودشت در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اولویت‌های موجود در حوزه اقتصادی، گفت: نخستین اولویت،

هدایت هدفمند اعتبارات به پروژه‌های زیرساختی است. جنگ معمولاً شبکه‌های حمل‌ونقل، انرژی، پل‌ها و صنایع با ارزش افزوده بالا برای کشور راتحت تأثیر قرار می‌هد و بازسازی این بخش‌ها باید با سرعت و تمرکز بالا انجام شود.

وی افزود: وزارت اقتصاد می‌تواند از طریق تأمین مالی پروژه‌های کلیدی با ابزارهایی مانند اوراق مشارکت، جلب سرمایه‌گذاری داخلی، هدایت اعتبارات بانکی و تقویت نقش بانک‌های دولتی روند بازسازی راشتاب دهد. همچنین مسئله کنترل بازار ارز

نیز موضوع مهمی است که توسط همین بانک‌های دولتی می‌تواند

مدیریت نشود. از همین رو تغییر رویکرد در زمینه مدیریت بانک‌های دولتی و تغییر اخیر در بزرگ‌ترین بانک دولتی کشور در راستای اهداف فوق صورت گرفته است.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در کنار زیرساخت، بخش بیمه در دوره پسا جنگ اهمیت ویژه‌ای پیدای کند. فعالان اقتصادی برای باکشت به فعالیت نیازمند امنیت روانی و مالی هستند. بنابراین، تقویت پوشش بیمه‌ای تجارت، تولید و حمل‌ونقل باید در اولویت قرار گیرد. لذا بازنگری در ساختار و مدیریت بیمه مرکزی، افزایش ظرفیت بیمه‌های تک‌انگهی و طراحی محصولات بیمه‌ای ویژه شرایط پرریسک ضروری است که انجام گرفته است.

عبداللهی در پایان خاطر نشان کرد: در مجموع، تمرکز بر بازسازی زیرساخت‌ها و تقویت نظام تأمین مالی تولید با محوریت هدایت اعتبارات بانکی دو رکن اصلی سیاست‌گذاری وزارت اقتصاد در دوره پسا جنگ است؛ دو رکنی که آینده اقتصادی کشور بر آنها تکیه خواهد کرد.



جدال در دولت

بر سر انتصابات بانک و بیمه

گزارش

کرده است!

هفته گذشته او اولاً شبانه مسرور را از مناطق آزاد برکنار کرد در حالی که از انتصاب او فقط ۱۸ ماه گذشته بود و سپس احمد جمالی را سرمایه‌گذاری خارجی برکنار کرد که از انتصاب او هم فقط ۱۲ ماه گذشته بود!

اکنون هم خبر آمد که مدنی زاده مدیرعامل بانک ملی را عزل کرده است! این در حالی است که با پیگیری‌های خبرنگار اقتصاد آنلاین از

بانک مرکزی مشخص شد که اقدام وزیر اقتصاد تخریف و او نه تنها حق عزل مدیرعامل بانک ملی را ندارد بلکه بانک مرکزی باید تغییرات در بانک‌ها را تأیید کند و بانک مرکزی تغییر مدیرعامل بانک ملی را تأیید نکرده است و منبع مطلع در بانک مرکزی اعلام کرد که بانک مرکزی با این تغییر مخالفت کرده و وزیراقتصاد حق چنین تغییری را نداشته و اگر چنین تغییری را انجام داده این تغییر ملغی خواهد شد و وزیر مرتکب تخلف شده است.

شایان ذکر است مدیرعامل فعلی بانک ملی، ابوالفضل نجارزاده، به لحاظ عملکرد بانکی صورت‌های مالی این بانک بهترین عملکرد را در ۱۸ سال اخیر این بانک به ثبت رسانده است. گفته می‌شود دلیل عزل نجارزاده، دخالت علی دیواندری به عنوان فرد مورد اعتماد وزیر در نظام بانکی است. این در حالی است که شرکت تارا وابسته به علی دیواندری یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان وام در کشور بوده و شائبه‌های سیاسی و مالی زیادی حول و حوش وزیر اقتصاد و اقداماتش به وجود آمده است.

این اقدامات وزیر اقتصاد فعلی شبیه اقدامات فرهاد دژنستد وزیر اقتصاد اسبق است که شائبه و غیرقانونی شاپور محمدی را از سازمان بورس عزل کرد. گفتنی است دژنستد بعد از دوران وزارت به یک سال حبس به دلیل این تغییر غیرقانونی محکوم شد. باید دید عاقبت علی مدنی زاده چه خواهد شد. وزیر اقتصاد و دارایی سید علی مدنی زاده در حکمی دستور به عزل نجارزاده، ریاست بانک ملی داده است که تأیید و اجرایی بودن این حکم در هاله‌ای از ابهام است.

علت ابهام در تأیید این حکم نیز در اساسنامه بانکی ملی که در سال ۱۳۶۰ به تصویب رسیده کاملاً امری مبرهن و خالی از اختلاف است. پاسخ به این پرسش اساسی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. بر اساس گزارش‌های منابع موقق اقتصاد آنلاین، به هیچ عنوان برای عزل و نصب مدیرعامل بانک ملی نظر بانک مرکزی تأمین نشده است، در صورتی که وزیر اقتصاد مطابق اساسنامه بانک ملی، باید بانک مرکزی را متوجه چنین تصمیمی کند در حالی‌که نظر سیاستگذارا پولوی و بانکی در این خصوص ناییده گرفته شده است.

همچنین باید بر این مورد تأکید کرد که محور اصلی این گزارش به وزیر می‌پردازد که در زمان و بچپوچه جنگ اقدام به عزل برخی مدیران کرده است که صلاحیت تصدی گری وزارتخانه اقتصاد و امور دارایی وی را مورد تردید قرار می‌دهد. ضمن اینکه باید به پرسش مهم دیگری نیز پرداخت که در شرایط جنگی فعلی که بحران حاصل از آن در تمامی سطره اقتصادی ایران، فراگیر شده است، چنین تصمیم‌گیری‌های از روی صلاحیت‌سنجی و زمان شناسی وزیر است و یا صرفاً یک تصمیم



اخبار



جهش قیمت جهانی گندم در راه است

در حالی که بازارهای کالا‌های اساسی دوران آرامشی نسبی را پشت سرمی‌گذاشتند، تحولات اخیر در قطب‌های تولید کشاورزی جهان، ورق را به نفع یک جهش قیمتی بزرگ برگردانده است. بررسی‌های آماری و پایش بازارهای جهانی نشان می‌دهد که گندم، به عنوان استراتژیک‌ترین کالای سفره مردم، با عبور از سدهای مقاومتی چندساله، در مسیریک صعود بی‌سابقه قرار گرفته است. نگاهی به روند تغییرات قیمت گندم در ماه‌های اخیر، تصویری متفاوت از آنچه پیش در تصور می‌شد را ترسیم می‌کند. مطابق با داده‌های مستخرج از تالارهای معاملات نقدی، قیمت گندم پس از یک دوره فرسایشی دوساله که در آن به کف‌های قیمتی تاریخی رسیده بود، اکنون با قدرت در حال بازپس‌گیری سنگ‌های از دست رفته است. نمودار هفتگی گندم (Wheat Cash Contract) به وضوح نشان می‌دهد که قیمت از یک خط روند نزولی بلندمدت که مانند سقفی آهنین مانع از رشد بود، عبور کرده است. این شکست نه‌یک نوسان گذرا، بلکه به مثابه تغییر فاز بازار از «اشباع عرضه» به «اضطرار خرید» تلقی می‌شود.

در حال حاضر قیمت‌ها با عبور از مرز ۶۳۰ دلار، خود را برای سطوح ۷۰۰ دلاری آماده می‌کنند. نکته کلیدی در این میان، حجم معاملات و آرایش کندل‌های قیمتی است که نشان‌دهنده ورود نقدی بزرگ به این بخش است. برخلاف سال‌های گذشته که هر صعودی با فشار فروش مواجه می‌شد، اکنون خریداران در هر اصلاح قیمتی به بازار هجوم می‌آورند. این تغییر رفتار در بازار محصولات کشاورزی، نشان‌دهنده انتظارات تومبی بالا در سطح کلان و پیش‌بینی کمبود عرضه در ماه‌های پیش‌روست که می‌تواند زنجیره تأمین مواد غذایی را با شوک جدیدی روبه‌رو کند.

تبع‌دولیه اقلیم و سیاست: از خشکی مزارع روسیه تا تردیدهای آمریکا

عامل اصلی که سوخت لازم برای جهش قیمتی در نمودارها فراهم کرده، وضعیت بحرانی تولید در کشورهای کلیدی است. روسیه به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده گندم جهان، اکنون با تهدیدهای جدی آب و هوایی دست‌وپنجه نرم می‌کند. گزارش‌های میدانی از کاهش قابل توجه سطح تولید در مناطق جنوبی این کشور حکایت دارد و پیش‌بینی‌های رسمی تولید گندم روسیه برای سال جاری با کاهش چندین میلیون تنی مواجه شده است. این موضوع به تنهایی کافی است تا قیمت‌ها در بازارهای جهانی از پاریس تا شیکاگو، گارد صعودی بگیرند.

در سوی دیگر اقیانوس، ایالات متحده نیز با کاهش سطح زیرکشت مواجه است. طبق آخرین آمارهای وزارت کشاورزی آمریکا (USDA)، سطح زیرکشت گندم با کاهشی ۳ درصدی روبه‌رو شده و وضعیت کیفی مزارع نیز نسبت به مدت مشابه سال قبل افت چشمگیری داشته است. این هم‌زمانی کاهش تولید در دو قطب اصلی عرضه، بازار را با واقعیتی تلخ روبه‌رو کرده است، به طوری که ذخایر استراتژیکی که قرار بود نقش ضربه‌برایفا کنند، اکنون در پایین‌ترین سطوح خود قرار دارند. وقتی عرضه جهانی با چنین چالش‌های ساختاری روبه‌رو می‌شود، قیمت‌ها چاره‌ای جز حرکت در مسیر صعودی ندارند که این موضوع در نمودارهای فعلی به خوبی نمایان است.

چشم‌انداز مهم عرضه جهانی: چرا بازار به سمت بحران می‌رود؟

تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد که جهان در حال حرکت به سمت یک «تنگنای عرضه» در بخش محصولات کشاورزی است. شورای بین‌المللی غلات (IGC) اگرچه پیش‌بینی‌هایی از تولید رکوردشکن در برخی مناطق داشت اما هم‌زمان بر کاهش ذخایر پائینی تأکید کرده است. به زبان ساده، حتی اگر تولید در بالاترین سطح باشد، مصرف جهانی به قدری افزایش یافته که موجودی انبارها کفاف تقاضای روزافزون را نمی‌دهد. این عدم توازن، بازار را به شدت نسبت به اخبار منفی حساس کرده است.

علاوه بر این، هزینه‌های تولید شامل کودهای شیمیایی و انرژی نیز بار دیگر روند صعودی به خود گرفته‌اند. این موضوع باعث شده کشاورزان در بسیاری از نقاط جهان، عطای تولید گندم را به تقاضی ببخشند و به سمت محصولات پرسودتر بروند. نتیجه این تغییر رویکرد، کاهش تدریجی عرضه جهانی در بلندمدت است. بازار اکنون با دردک این واقعیت، در حال «پیش‌خور کردن» توم سال‌های آتی است. جهشی که امروز در قیمت گندم می‌بینیم، درواقع پاسخ بازار به کاهش امنیت غذایی و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک در مناطق حساس نظیر دریای سیاه است که همچنان به عنوان شریان اصلی انتقال غلات با اختلالات جدی روبه‌روست.

از مرزعه تا سفره: پیامدهای موج جدید گرانی کالاهای اساسی

عبور قیمت گندم از سطوح فعلی، فقط یک عدد در گزارش‌های بورسی نیست، بلکه به معنای آغاز موج جدیدی از گرانی در تمام محصولات وابسته است. از آرد و نان گرفته تا نهاده‌های دامی که قیمت گوشت و لبنیات را تعیین می‌کنند، همگی تحت تأثیر این جهش قیمتی قرار خواهند گرفت. تجربه نشان داده که هرگاه قیمت جهانی غلات وارد کانال صعودی بلندمدت شده، توم مواد غذایی با یک فاصله زمانی اندک در سفره‌های مردم ظاهر شده است. این وضعیت برای کشورهای واردکننده که با چالش‌ش روبه‌رو هستند، به مراتب سخت‌تر خواهد بود.

با توجه به داده‌های فنی و بنیادی، می‌توان انتظار داشت که در نیمه دوم سال ۲۰۲۶، قیمت محصولات کشاورزی به سطوح جدیدی برسد که در سال‌های اخیر بی‌سابقه بوده است. تثبیت قیمت گندم در بالای مرزهای فعلی، سیگنالی است به همه فعالان اقتصادی که دوران «غذای ارزان» به پایان رسیده است. جهان اکنون باید خود را با این واقعیت تطبیق دهد که محصولات کشاورزی نه فقط یک کالای مصرفی، بلکه یک دارایی استراتژیک و کران‌بها هستند که قیمت آن‌ها بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر نوسانات اقلیمی و تنش‌های قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است.

گزارش

کرده است!

جنگ آمریکا علیه ایران برای اقتصاد جهان وکشورهای منطقه همدار داده‌است.

بانک جهانی با انتشار گزارشی از چشم‌انداز اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا در سایه جنگ آمریکاصهونی علیه‌ایران نوشت که اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا درگیر جنگی است که باعث رنج‌بشی در منطقه و پیامدهای اقتصادی در سراسر جهان شده‌است. تنگه‌هرمزگه حدود یک‌پنجم از نفت و گاز جهان از آن عبور می‌کند، از آغاز درگیری عمل‌باسته شده‌است. تصاویر ماهواره‌ای اخیر نتکش‌هایی را نشان می‌دهند که در هر دو طرف صف کشیده‌اند و منتظر عبور هستند. توقف تولید، همراه با حملات به زیرساخت‌های انرژی، منجر به یک شوک قابل توجه در عرضه نفت شده‌است.

اثرات جهانی درگیری در خاورمیانه

بازارهای نفت با بازار عرضه‌وارد این دوره شدند که به عنوان یک عامل بالقوه در برابر فشارهای قیمتی عمل کرد. با این حال ۲۷ مارس، قیمت نفت خام برنت ۱۱۳ دلار در هر بشکه بود که نزدیک به ۶۰ درصد بیشتر از قبل از شروع درگیری است. معاملات آتی نفت حاکی از خوش‌بینی نسبی است و قیمت‌های تحویل پایان سال حدود ۸۵ دلار در هر بشکه معامله می‌شود. به‌طور مشابه، قیمت گاز طبیعی اروپا در همین بازه زمانی تقریباً

هشدار بانک جهانی درباره پیامدهای جنگ علیه ایران

۷۰ درصد افزایش یافت.

اگر قیمت نفت، گاز طبیعی و انرژی برای مدت طولانی بالا بماند، پیامدهای تومبی موج خواهد زد. فشار در حال حاضر در اروپا و آسیا بیشتر از ایالات متحده است. برای واردکنندگان نفت، صورتحساب بالاتر و ارات می‌تواند کسری حساب جاری را افزایش دهد و به هزینه‌های تولید این‌ها بزند که اغلب به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود. در برخی کشورها، کمبودها از قبل پدیدار شده که منجر به خاموشی و جیره‌بندی شده‌است. علاوه بر این، قیمت مشتقات نفت و گاز طبیعی مانند برخی کودهای شیمیایی، افزایش یافته‌است. قیمت بالاتر کودممکن است عملکرد محصولات کشاورزی آینده را به خطر بیندازد و در نهایت منجر به افزایش قیمت‌مواد غذایی شود. این فشارهای تومبی ممکن است بانک‌های مرکزی را مجبور کند که نرخ بهره را بیشتر از آنچه بازارها قبلاً انتظار داشتند، بالا نگه‌دارند.

شدت و تداوم این اثرات به شدت به طول مدت و شدت درگیری بستگی دارد. اما اگر یک قطعیّت در حال حاضر وجود داشته باشد، خود عدم قطعیت است. ریسک ژئوپلیتیک به سرعت به عنوان نگرانی غالب در میان سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران ظاهر شده و شاخص ریسک ژئوپلیتیک به بالاترین سطح روزه خود از سال ۲۰۲۳ رسیده‌است. طغیان درگیری در خاورمیانه تاب‌آوری



اقتصاد جهانی آژمایش کرده‌است. با شروع خصومت‌ها، ریسک ژئوپلیتیک به سرعت به عنوان نگرانی غالب در میان سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران ظاهر شد. تاکنون شاخص عدم قطعیت سیاست تجاری منبع غالب اضطراب بازار بوده و در آوریل ۲۰۲۵ به بالاترین حد تاریخی خود رسید. درگیری همچنان در سراسر منطقه در حال گسترش است. بسته‌شدن موانع ترنگه‌بزرگ‌تری اقتصاد جهانی و منطقه‌ا اهمیت ویژه‌ای بر خود را دارد. می‌کند و صادرات عمدتاً از بحرین، جمهوری اسلامی

ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی را منتقل می‌کند. این تنگه‌همچنین مسیر اصلی گاز طبیعی مایع از قطر است که حدود ۲۰ درصد از کل تجارت جهانی گاز طبیعی مایع را تشکیل می‌دهد. با چند مسیر جایگزین عملی، بسته‌شدن به‌طور مؤثر یک شریان اصلی عرضه انرژی جهانی را قطع کرده‌است. در حالی که آسیب به زیرساخت‌های نفت و توقف‌های احتمالی تولید نفت ممکن است پیامدهای بلندمدتی داشته باشد. تا زمانی که تنگه هرمز بسته‌است، اختلال در کشتیرانی فوری‌ترین محدودت‌برای عرضه جهانی نفت باقی خواهد ماند. سوابق تاریخی، اهمیت شوک فعلی را نشان می‌دهد. زمانی که پس از تهاجم ۲۰۲۲ به اوکراین، حدود ۲.۵ میلیون بشکه در روز از صادرات نفت فراسیون روسیه تقریباً ۳۰ درصد از صادرات آن ۳ و درصد از عرضه جهانی از بازارهای جهانی قطع شد، قیمت نفت خام برنت ظرف ماه پیش از ۳۰ درصد افزایش یافت و برای ماه دیگر بالا ماند. جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ حدود ۴ میلیون بشکه در روز از عرضه جهانی را حذف کرد. حدود ۷۶ درصد از کل آن زمان که باعث شد قیمت هاترظ ۴ ماه پیش از دو برابر شوند. اختلال فعلی در مقیاس بزرگتر است و حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز یا ۲۰ درصد از عرضه جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



چگونه اقتصاد نظامی آمریکا در جنگ تحمیلی سوم شکست خورد؟

در حالی که مقامات نظامی آمریکا مدعی موفقیت در جنگ تحمیلی سوم هستند، اما یک تحلیلگر اقتصادی معتقد است، بررسی صورت‌های مالی و هزینه‌های پنهانی که پنتاگون بخصوص برای بازسازی پایگاه‌های آمریکا در منطقه متحمل شده، شکست اقتصاد نظامی این کشور را فریاد می‌زند.

نخستین فشاری که بر اقتصاد جهانی با آغاز جنگ تحمیلی سوم وارد آمد و بر بسیاری از کشورها اثرگذار بود و رسانه‌ها و کارشناسان متعددی بر آن تأکید داشتند، افزایش هزینه‌های تأمین انرژی بود.

اما این همه ماجرا نبود؛ فشاری که بر اقتصاد جنگ آمریکا و تأمین هزینه‌هایی که بر پنتاگون آورد، وجه دیگر ماجراست؛ اقتصاد جنگ معمولاً یک و چه آشکار دارد که همان هزینه‌های تأمین ادوات و مهمات و تجهیزات نظامی است.

رسانه‌های مختلف از جمله حتی رسانه‌های آمریکایی موضوع جلسات پنتاگون به عنوان کارفرما با شرکت‌های نظامی آمریکایی به عنوان پیمانکار برای افزایش تولید تجهیزات نظامی را مطرح کردند. اما آنچه دیده نمی‌شود، منفی شدن موازنه «هزینه-فایده» برای پنتاگون بود؛ در جنگ ۴۰ روزه دیدیم که آمریکایی‌ها با جنگنده‌ها و موشک‌های چند میلیون دلاری در برابر موشک‌ها یا پهپادهای چند هزار دلاری تاب مقاومت نداشتند و اکنون بازسازی پایگاه‌های تخریب شده آمریکا در کشورهای منطقه چند میلیارد دلار برای پنتاگون هزینه دارد.

از جمله هزینه‌های دیگری که دیده نشد ولی بستانگه هرمز از سوی ایران بر آمریکا و کشورهای منطقه تحمیل کرد، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی کالا برای کشورهای منطقه و شهروندان عادی این کشورها بود که می‌توان آن را سوغات جنگ آمریکا برای مردم حاشیه جنوب خلیج فارس دانست و نوعی هزینه پنهان بر این کشورهاست و شهروندان کشورهای منطقه عامل تورم مواد غذایی در کشورهاشان را وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورشان می‌دانند.

انتشار صورت‌های آسپ‌های وارد شده به پایگاه‌های آمریکا یعنی شکست در برابر ایران
در همین ارتباط مهدی منصوری بیدگانی عضو انجمن اقتصاددانان ایران در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا درباره هزینه‌های پنهان جنگ اظهار کرد: هر جنگ‌شناسی بدون درک سه مؤلفه «بازه هزینه»، «فرخ فرسایش سرمایه» و «سپندگی نوزعی ناشی از بازسازی»، درک درستی از میدان نبرد نخواهد داشت.

گزارش اخیر شبکه ان بی سی نیوز (NBC News) مبنی بر اینکه حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا خسارتی «بسیار گسترده‌تر و هزینه‌برتر تا مازمیلیاردها دلار» داشته، در واقع یک صورت‌های اصلاح شده از باخت پنهان آمریکا است.

فایده ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار جنگ‌های نامتوازن
منصوری بیدگانی افزود: در تحلیل اقتصادی جنگ، هرگاه یک طرف درگیر اینجا ایران با ۳۰ درصد هزینه طرف مقابل، ۷۰ درصد خسارت را تحمیل کند، آن معادله به نفع طرف کم‌هزینه‌تر است. موشک‌های بالستیک ایران با قیمت تخمینی ۱۰ تا ۲۰ هزار دلار، به تأسیساتی اصابت کرده‌اند که بازسازی هر مترمربع از آن در منطقه عین‌الاسد، به دلیل حمل‌ونقل تجهیزات نظامی خاص تا ۵۰ برابر هزینه معمول ساختمان‌سازی است. این یعنی ایران با بودجه‌ای کمتر از یک ناوشکن کلاس Arleigh Burke، توانسته میلیاردها دلار سرمایه‌های ثابت نظامی آمریکا را منهدم کند.

اقتصاد بازنراندگی، نقض شده است
وی ادامه داد: یکی از اصول بنیادین «اقتصاد بازنراندگی» این است که «قیمت تعرض به پایگاه‌های شما باید به مراتب بالاتر از بازسازی آنها باشد»؛ روایت جدید نشان می‌دهد که هزینه واقعی هر پایگاه آمریکایی در غرب آسیا، وقتی حملات موفق ایران را در نظر بگیریم، از یک سکو شناور ال‌ان‌جی هم بیشتر شده است. این یعنی نیروی هوایی آمریکا ارزش واقعی (NPV) پایگاه‌های خود را اشتباه محاسبه کرده است.

تورم بازسازی در میدان نبرد
مدرس اقتصاد دانشگاه یادآور شد: وقتی پنتاگون ناچار شود میلیاردها دلار برای بازسازی هزینه کند، این پول از سه محل خارج می‌شود: «توقیف نوسازی ناوگان ۳۵۰۴، فشار بر بودجه تحقیقاتی سامانه‌های پدافندی جدید» و «بدرتر از همه» افزایش هزینه بیمه پرسنل که مالیات‌دهنده آمریکایی را مستقیماً هدف قرار می‌دهد؛ هر دلاری که صرف ترمیم آشیانه سوخته در عین‌الاسد شود، از تحقیقات پهبایی یا ضد‌هوابیرونیگ‌ها می‌کند. منصوری بیدگانی تأکید کرد: ایران این را خوب فهمیده است که جنگ اقتصادی یعنی مجبور کردن دشمن به خرج کردن در جایی که هیچ پهنودوری راهبردی ندارد.

بحران بیمه، نقطه‌ای که بازار آفروری ریزد
عضو انجمن اقتصاددانان بیان کرد: اما مهم‌ترین بخشی که تحلیل‌گران نظامی معمولاً از آن غافل می‌شوند، بازار بیمه است. وقتی گزارشی منتشر می‌شود که سامانه پدافندی آمریکا نتوانسته جلوی یک اف-۱۵ ایرانی را بگیرد، پیامد فوری آن چیزی نیست که در پنتاگون می‌گذرد، بلکه چیزی است که در اتاق معاملات لویدز لندن رخ می‌دهد. وی درباره این هزینه‌های بیمه‌ای چنین توضیح داد: باین کار، ابتدا حق بیمه نفتکش‌های عبوری از خلیج فارس بلافاصله جهش می‌کند؛ هر نفتکشی که پرچم آمریکا یا متحدانش را داشته باشد، ریسک بالاتر دارد. منصوری بیدگانی اظهار داشت: در گام دوم، هزینه حمل‌ونقل دریایی برای کالاهای غیرنظامی (حتی مواد غذایی) به مقصد کشورهای حاشیه خلیج فارس افزایش می‌یابد؛ این یعنی سفره مردم عادی امارات یا بحرین هم با موشک‌های ایران گران می‌شود این کارشناس اقتصادی افزود: در مرحله سوم، صندوق‌های بازنشستگی نظامیان آمریکایی ناچارند درصد بیشتری از سرمایه خود را به بخش ریسک‌های تهدیدات خارجی اختصاص دهند؛ چون حالا معلوم شده که «منطقه آمین نظامی» وجود خارجی ندارد.

سبک‌دل بودجه‌ریزی از اصلاح کند
وی تأکید کرد: فراموش نکنیم که هر خبر از «خسارت گسترده به پایگاه‌های آمریکا» به قیمت نفت شیل آمریکا و نفت برنت ضربه می‌زند. سرمایه‌گذاران نهادی می‌دانند که اگر سامانه باتریوت نتوانسته جلوی یک اف-۱۵ ایرانی را بگیرد، پس خطوط کشتیرانی در تنگه هرمز چقدر آسیب‌پذیرند؟ چنین گزارشی مستقیماً حق خطر (risk premium) خلیج فارس را ۱۵ تا ۲۰ درصد بالا می‌برد.

پنتاگون بودجه‌ریزی را اصلاح کند
این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: ایران جنگ را نه با اشغال جغرافیا که با «اشغال بودجه دشمن» می‌برد. تا وقتی آمریکا ناچار باشد میلیاردها دلار صرف ترمیم زخم‌هایی کند که با تجهیزات ارزان قیمت تریار وارد می‌شود، محاسبه سوزن‌زدان استقرار در غرب آسیا به صفر یا منفی میل می‌کند. منصوری بیدگانی تأکید کرد: پنتاگون باید روایت خسارت را نه برای وجدان عمومی بلکه برای بودجه‌ریزی درست، اصلاح کند؛ در غیر این صورت در تاریخ اقتصاد جنگ می‌نویسند: «در قرن بیست و یکم، کسی می‌برد که ارزان‌تر زخم‌بزند، نه گران‌تر زره بپوشد.»



خودروسازان پاسخگوی افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها نیستند

گزارش

نماینده مردم قوچان و فاروج در مجلس در تذکری به وزیر صمت، عدم نظارت به فعالیت خودروسازان، قطعه‌سازان، شرکت‌های واردکننده در عرضه خودرو و از سوی این وزارتخانه مورد انتقاد قرار داده و گفت: چرا باید در شرایط جنگی خودروسازهای بی‌تدبیر به خودشان اجازه دهند تا قیمت محصولاتی که هیچ‌کدام از استانداردهای ملی و بین‌المللی را ندارند با قیمت نجومی به مردم عزیز ارائه کنند.

به گزارش خبرنگار خانه ملت، علی آذری، نماینده مردم قوچان و فاروج و رئیس مجمع نمایندگان استان خراسان رضوی، در تذکری خطاب به خطاب به محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: شیوه اندیشیدن خودتان را در مدیریت وزارت تغییر دهید یکی از مواردی که مجلس به شما اعتماد کرد، قول شما بر حل مشکل خودرو در کشور بود، حال با اتفاق جنگ تحمیلی رمضان و شکل‌گیری حضور میدانی مردم عزیز در حمایت از ایران مقتدر و کم‌کاری‌ها و ترک فعل‌هایی که در وزارت خانه شما از سوی دیگر اتنقای می‌افتد، پاسخ دهید آیا سزاوار است که با این سرمایه عظیم اجتماعی حداقل در فقره خودرو چنین رفتاری انجام شود. آیا سزاوار است با شهادت، شهیدان و لایق‌هایی چون رهبر معظم، سرداران شهید، سربازان پای لانه و کودکان شهیدمان چنین رفتاری انجام شود و با محصولات مونتاژی بی‌ارزش و اعلام قیمت نجومی به اعتماد اجتماعی لطمه وارد کرد، توصیه می‌کنم که تدبیری بیندیشند که ایران مقتدر با شهدای جنگ رمضان و ایثارگری مردمانش به شما افتخار کند و اگر شجاعت تصمیم‌گیری ندراید به ما بگویید تا تکلیف شما را تعیین کنیم.

اول، چرا باید در شرایط جنگی خودروسازهای بی‌تدبیر به خودشان اجازه دهند تا قیمت محصولاتی که هیچ‌کدام از استانداردهای ملی و بین‌المللی را ندارند با قیمت نجومی به مردم عزیز ارائه کنند که موجبات دل شکستگی و ناامیدی را در جامعه فراهم کنند، ما وزیری می‌خواهیم که این قدرت را داشته باشد بعد از حدود ۴۰ سال اعتماد همه‌جانبه به خودروساز مونتاژکار،

برش

هیچ بهانه‌ای برای افزایش قیمت خودرو وجود ندارد

دستگاه قضا با متخلفان برخورد کند



سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس، از عزم جدی این کمیسیون برای کنترل بازار در شرایط کنونی و تسهیل عبور از شرایط بحرانی کشور خبر داد.

محمد رستمی در گفت‌وگو با خبرنگار خانه ملت، با انتقاد از افزایش بی‌رویه قیمت برخی کالاها از جمله خودرو در بازار به بهانه کمبود مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات، گفت: کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی جلسات متعددی را در جهت جبران خسارات واحدهای آسیب‌دیده از جمله فولاد مبارکه و فولاد خوزستان برگزار کرد تا از بروز این‌گونه مشکلات جلوگیری به عمل آورد.

نماینده مردم نیشابور، فیروزخان و میان‌جلگه در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: ما به طور جدی پیگیری کردیم تا اقلام و مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات به خصوص در حوزه فولاد تأمین شود همچنین برای جلوگیری از ایجاد محدودیت‌ها در حوزه تأمین فولاد تأکید شد که مجوز واردات صادر شود تا مشکلی در این حوزه ایجاد نشود بنابراین هیچ بهانه‌ای برای افزایش قیمت خودرو وجود ندارد. وی تصریح کرد: دستگاه‌های دولتی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز پیگیر هستند که اقلام ضروری مورد نیاز کارخانجات تأمین شده و مشکلی ایجاد نشود که اینک با صدور مجوز واردات در این حوزه موافقت کردند، همچنین در این راستا قرارگاه تسهیل را مانده‌اند زیرا در تیر و مرداد عرضه کالاها در بازار نظارت شود. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم، یادآور شد: ما در کمیسیون صنایع و معادن نیز از طریق برگزاری جلسات متعدد با مسئولان مربوطه در وزارت صمت پیگیر هستیم تا این فرآیند به نحو احسن طی شده و هیچ کمبودی در کشور ایجاد نشود. سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد: هم‌اکنون لازم است در کنار نظارت دولت بر بازار، دستگاه قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی نیز برای برخورد با متخلفان در این حوزه به طور جدی ورود کنند تا مشکلی در تأمین نیاز مردم به خصوص در حوزه خودرو که یکی از واجبات زندگی آنها محسوب می‌شود مشکلی ایجاد نشود.

بتواند همه این خودروسازان و شرکت‌های مربوطه را تطویل کند و بگوید خیانت به مردم بس است واردات خودرو را در شرایط جنگی فعلی آزاد کند و بستر تولید خودروهای برقی و هیبریدی را برای مردم عزیز کشورمان فراهم کند، همچنین شرایطی ایجاد کند تا خودرو از کالای سرمایه‌ای خارج و تبدیل به کالای خدماتی شود تا خودروهای فرسوده و آلوده‌کننده هوا و محیط هم از ردیف خارج شوند.

دوم، توصیه می‌کنیم مقایسه‌ای به قیمت خودروها از

ایران مقتدر، خواهید دید که جان‌باختگان خودروهای غیراستاندارد و ناایمن، چند برابر شهدای جنگ‌های تحمیلی خواهد بود، مسئولیت این ترک فعل‌ها بر عهده شما است چون نشان دادید که در آزاد کردن ملت ایران مقتدر از چنگال این مافیای هیچ اراده‌ای ندارید وگرنه این مونتاژکاران، جسارت نمی‌کردند که در دوران جنگ افزایش قیمت نجومی برای خودروهای بی‌کیفیت خود اعلام کنند.

چهارم، ساده به شما بگوییم برای مثال اعلام قیمت حدود ۳ میلیارد تومان برای خودرویی مثل شاهین یعنی اینکه وزارتخانه شما باید بپذیرد که مداخله شما در حوزه تولید و تأمین خدمات و واردات این محصول، منتهی به شکست شده است و شما شکست خوردید پس وزیر عاقل قطعاً خودش را در این مرداب غرق نمی‌کند. پیشنهاد می‌شود با نسبت به ائتلاف شرکت‌ها و خودروسازان جهت نظارت قوی وزارت خانه اقدام شود با انحصار شرکت‌های واردکننده خودروها را بشکنید و با در اسرع وقت در همین ایام واردات خودرو نو یا کارکرده آزاد کنید.

پنجم، قطور کشوری که دسترسی به منابع اولیه دارد مثل برق و فولاد که دورکن کلیدی در تولید محصولات صنعتی می‌باشد بیش از ۴۰ سال است که بی‌کیفیت‌ترین خودروها را تولید می‌کند و این در حالی است که برای مثال شرکتی مثل تویوتا که تقریباً به هیچ‌یک از منابع اولیه برای تولید مانند سنگ آهن، گاز و برق دسترسی ندارد و تمام پارامترهای اولیه را برای تولید محصول خود در تیراژ بالا را باید از واردات تأمین کند توانسته با کار گروهی و تخصصی و نگاه خیر جمعی قلب تولید خودرو در دنیا را تصرف کند شما باید قبول کنید که در مدیریت خودرو در کشور که شما فرد اول آن بودید در دوران وزارت خودتان کاری انجام ندادید و تصمیمات تردمیلی گرفته‌اید.

ششم، علت تولید خودروهای پر مصرف و آسیب‌زننده به حوزه انرژی، محیط زیست و سلامت مردم به صورت تکراری در سال‌های متعادی چیست، شما باید پاسخگو باشید، چرا نمی‌توانید تدبیری انجام دهید آن هم در زمانی که جهان تمرکز بر مدیریت انرژی در تولید، محیط زیست و سلامت دارد.

ورشکستگی مزارع و افت تولید غذا در آمریکا، پیامد بستن تنگه هرمز

را ندارند. کود کمتر مسواقی است با تولید غذای کمتر و ورشکستگی بیشتر مزارع. بسیاری از کشاورزان به دلیل افزایش سه‌برابری قیمت کودها، تولید را متوقف کرده‌اند؛ زیرا برای آن‌ها به صرفه نیست.

عباسی در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت ذخایر و کمبود نهاده‌ها در جهان، تصریح کرد: بسیاری از کشورهای مختلف کشاورزی مانند برزیل و آرژانتین اصلاً استراتژی ذخیره‌سازی برای کود شیمیایی ندارند. آن‌ها در زمان نیاز خرید می‌کنند و مصرف می‌کنند؛ بنابراین وقتی زنجیره تأمین قطع می‌شود، هیچ پشته‌هایی ندارند، برای مثال، برای کشت یک میلیون هکتار ذرت که نیاز به ۳۰۰ میلیون کیلوگرم کود اوره دارد، نیاز به یک ذخیره عظیم است که در این کشورها وجود ندارد. وی سپس به مقایسه این وضعیت با ظرفیت‌های ایران پرداخت و افزود: نقطه قوت ما در کشور این است که نزدیک به ۹۰ درصد نیاز غذایی خود را در داخل تولید می‌کنیم. تفکری که ۱۵.۱۴ سال قبل رایج بود و می‌گفت خودکفایی حرف بی‌ربطی است، اشتباه و خطرناک بود. در دو ماه گذشته که از جنگ می‌گذرد، هیچ کمبود محصولی کالایی در کشور احساس نشده است، دلیل آن تأمین داخلی است و آن ۱۰ درصد وابستگی نیز از طریق ذخایر استراتژیک که گاهی تا شش ماه نیاز را پوشش می‌دهد، جبران شده است.



هم بازارهای جهانی و هم نیازهای داخلی خود را از دست خواهند داد.

وی با اشاره به آماری موجود از وضعیت کشاورزان آمریکایی گفت: لوکاس اگو، تحلیلگر بازار در آمریکا، اعلام کرده که ۷۰ درصد کشاورزان آمریکایی توان مالی خرید کود مورد نیاز

انجام شود، به دلیل مشکلات لجستیکی و جنگ، صادرات به مقاصد دچار اختلال می‌شود و کشورهای واردکننده نیز در دریافت محصولات مشکل دارند. پاشنه آشیل دنیا امنیت غذایی است. کشورهایی مانند برزیل، آرژانتین و آمریکا که میلیون‌ها هکتار اراضی زیر کشت ذرت و سویا دارند، امسال

تنها به تولید محدود نمی‌شود، ادامه داد: حتی اگر تولیدی هم

بستن تنگه هرمز و کمبود شدید کود کشورهایی مانند آمریکا، برزیل و آرژانتین را با ورشکستگی مزارع روبرو کرده است. علیرضا عباسی، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهمیت امنیت غذایی به عنوان یکی از ارکان حیاتی بقای ملت‌ها، توضیح داد که کشورهای مختلف در سه دسته کلی قرار می‌گیرند: آن‌هایی که تولید داخلی کامل دارند، آن‌هایی که تولید می‌کنند؛ اما نهاده‌های اولیه را وارد می‌کنند و آن‌هایی که کاملاً واردکننده هستند. عباسی تأکید کرد: جنگ اخیر و محدودیت‌های ایجاد شده در تنگه هرمز، ضربه‌ای سنگین به کشاورزی وارد کرده است که در فصل کشت‌وکار هستند و برای داشت محصولات خود نیاز به کودهای شیمیایی دارند.

وی افزود: حدود ۳۰ درصد از کودهای شیمیایی، به ویژه کود اوره، از منطقه خلیج فارس صادر می‌شود. به دلیل اختلال در صادرات این کودها، کشورهای تولیدکننده با افت شدید عملکرد در مراحل سبزینگی و دانه‌بندی غلات مواجه شده‌اند. این افت محصول آن قدر شدید است که شاید برداشت برای تولیدکنندگان به صرفه نباشد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه این بحران تنها به تولید محدود نمی‌شود، ادامه داد: حتی اگر تولیدی هم